

تبیین عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری^۱

مهدی جعفری

گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

کوروش افضلی^۲

گروه شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

مصطفی ظهیری نیا

گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

چکیده

سرزندگی، رونق کالبدی و فعالیت در یک بافت شهری، زمانی صورت می‌پذیرد که ساکنین اصیل آن بافت به همراه سرمایه‌گذاران خصوصی، علاقمند به حضور، زندگی و فعالیت در آن بافت باشند و این موضوع را برای خود ارزش بدانند؛ هرگونه اقدام مداخله در بافت شهری از قبیل نوسازی، بهسازی، بازسازی و بازآفرینی، زمانی اثربخش است که مشارکت حداکثری اهالی یک بافت به همراه سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد و اگر این مشارکت به صورت اجتماعی باشد اثرگذاری آن، دو چندان خواهد شد؛ لذا برای تحقق بازآفرینی شهری، لازم است عوامل تاثیرگذار در مشارکت اجتماعی شناخته شوند. این پژوهش جهت یافتن عوامل مذکور ابتدا از روش تحلیل محتوای متن و استدلال بهره خواهد جست و در ادامه تعداد ۸۲ مولفه تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری استخراج می‌گردد و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش تحلیل عاملی در جامعه آماری نخبگان و متخصصین حوزه شهری و علوم اجتماعی، مولفه‌های تاثیرگذار به چهار دسته در یک طیف از عوامل (عوامل درونی تا عوامل بیرونی)، تقسیم‌بندی گردید و بالتبع نوع عوامل، نحوه مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری و هریک از ابعاد آن را مشخص نمود که عامل اجتماعی با ۳۲ درصد بیشترین فراوانی را دارد و پس از آن عامل فرهنگی ۲۶ درصد و عامل کالبدی ۱۴ درصد به ترتیب بیشترین فراوانی‌ها را دارند.

کلمات کلیدی: مشارکت اجتماعی، بازآفرینی شهری، تحلیل عاملی، عوامل تاثیرگذار در مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری

۱- این مقاله استخراج شده از رساله دکتری مهدی جعفری دانشجوی رشته شهرسازی با عنوان تبیین مدل بومی مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری مناطق جنوب ایران، مطالعه موردی بافت تاریخی محله سورو بندرعباس که در دانشگاه آزاد کرمان در حال انجام می باشد.

۲- (نویسنده مسئول) kka.fzali@gmail.com

مقدمه

سرمایه‌ها و دارایی‌هایی که جوامع از آن‌ها بهره می‌گیرند بسیار متنوع و گسترده و دارای عمق و ابعاد مختلفی نظیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی می‌باشند. استفاده از این سرمایه‌ها در درون شهرها، روستاها، محلات منجر به شکوفایی، سرزندگی و ارتقاء کیفیت زندگی می‌شود و یا بالعکس بی‌توجهی به آن و رها نمودن آن در اثر مشکلات ناشی از فرسایش کالبد و فعالیت، منجر به ناکارآمدی این گونه بافت‌های شهری می‌گردد. رشد سریع تکنولوژی در ابعاد گوناگون، از جمله در زمینه‌ی مسائل شهری موجب فراهم نمودن آسایش شده است. این مساله در زمینه‌ی ایجاد شرایط ساختمان‌های یکنواخت، بافت یکنواخت و حتی شهر یکنواخت تاثیر فراوانی گذاشته است. از این رو هماهنگی با عناصر طبیعی، اقلیم، مشارکت و خواست مردم در راستای بازآفرینی شهری نقش بسیار مهمی خواهد داشت؛ اما در دوران پست مدرن همانند دوران مدرن، تاثیر تکنولوژی و افزایش خدمات موجب تغییر زیرساخت‌ها گردیده است. شهرها به عنوان مکان حضور مردم در آن، وابسته به تغییرات متناسب با شرایط جدید است و بدون تحقق این مهم، تعاملات اجتماعی و فرهنگی به حداقل می‌رسد و دیگر شهر دوستدار مردم، شهر دوستدار کودک و این قبیل مفاهیم و رویکردها تحقق پیدا نمی‌کند. به تعبیری، طراحی شهری به عنوان ساختن مکانی برای مردم (کارمونا: ۱، ۱۳۹۴) میسر نخواهد شد. مشارکت و بالاخص مشارکت اجتماعی گروه‌ها جهت تحقق بازآفرینی شهری از ضرورت‌های این فرآیند می‌باشد؛ اما آنچه که مساله را کمی متفاوت می‌کند وجود اقتضائات محیطی، فرهنگی و اجتماعی مناطق با یکدیگر می‌باشد؛ در واقع "یک دانش تاریخی سرزمینی" بدون اینکه بخواهیم همراه ما است. این دانش تاریخی سرزمین در یک بستر زیست اقلیمی شکل گرفته است که تهران را از قم و قم را از بندرعباس جدا می‌کند. (بحرینی، هفت شهر، ۵۷)

این دانش سرزمینی نه فقط تحت تاثیر عوامل بیرونی نظیر اقتصاد، محیط زیست و کالبد است بلکه به عوامل درونی نیز توجه دارد. در فرآیند بازآفرینی شهری، امنیت، اشتغال، اجتماع، اقتصاد، محیط زیست از عوامل اصلی هستند. بازآفرینی شهری یک موضوع چند بعدی شامل مواردی نظیر روحی - روانی (فکری)، اندیشه، قواعد و قوانین غیررسمی، قواعد رسمی، علم و دانش اندوخته (تجربه‌ها) می‌باشد. به عنوان مثال در ساختار اقتصادی، نهادهای رسمی و غیررسمی تاثیرگذارند و همین طور علم و تجربه عوامل ذی نفوذ (مالکان و کارفرمایان) به نوبه خود تاثیرگذار است. ؛ لذا این ساختار که بر ابعاد طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی تاثیرگذار است، ناشی از روابط پنهانی و همچنین دیدگاه‌های فلسفی می‌باشد؛ از این رو در بازآفرینی شهری باید به ساختار به عنوان روابط درونی و پنهانی بین پدیده‌ها که در فرآیندها تاثیرگذارند توجه شود و ظهور کالبدی بازآفرینی، سازمان فضایی است که باید این سازمان، منطبق بر ساختار باشد. در واقع زمانی بازآفرینی شهری موفق خواهد شد که سازمان فضایی براساس ساختار و متاثر از عوامل درونی شکل گرفته باشد. این دیدگاه برای نهادها نقشی درون را در نظر می‌گیرد. (داگلاس: ۱۳۹۷، ۱۳) با توجه به مباحث مطرح شده فوق، تعیین عوامل دخیل و تاثیرگذار در تحقق مشارکت اجتماعی موثر در بازآفرینی شهری، با هدف ویژه " استخراج عوامل پنهان تشکیل‌دهنده ساختار مشارکت اجتماعی

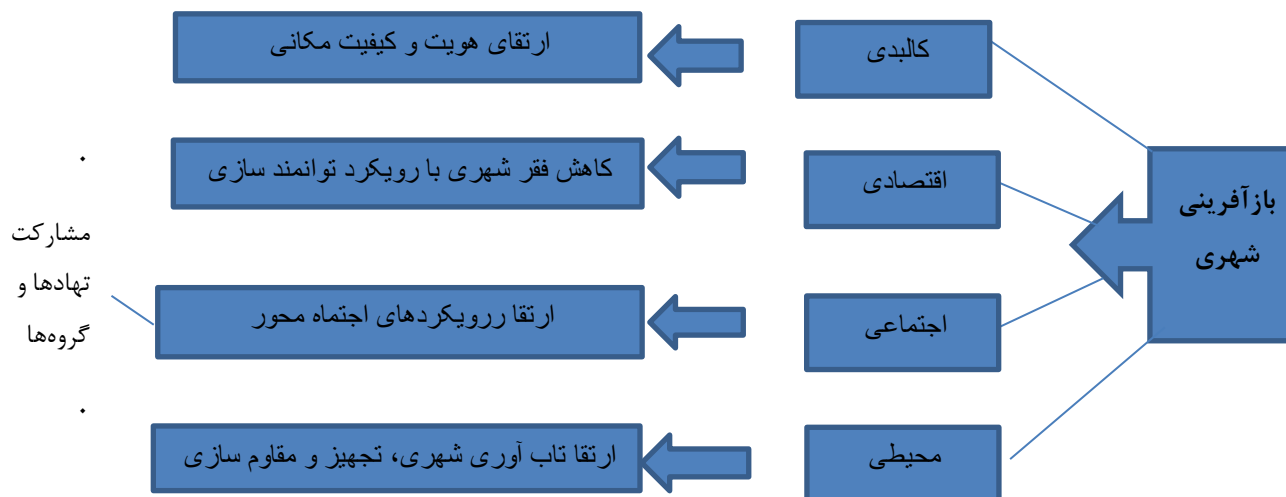
که در سیاست بازآفرینی شهری تاثیرگذارند."مورد مذاقه این مقاله است. مقاله‌ی پیشرو، در پی بررسی عوامل تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در راستای بازآفرینی شهری است؛ بر این اساس با واکاوی متون و مفاهیم بازآفرینی شهری، مشارکت اجتماعی و دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه‌ها در پی پاسخ به این مهم هستیم؛ لذا روش انجام این پژوهش ابتدا توصیفی بوده و در ادامه با تحلیل محتوا، شاخص‌های مربوطه احصاء شده و سپس با استفاده از روش تحلیل عاملی شاخص‌های مربوطه دسته‌بندی شده‌اند و در نهایت ارتباط و تاثیر آنها با بازآفرینی شهری دیده شده است.

از آنجاییکه ویژگی‌های تشکیل‌دهنده جوامع و محلات، ناشی از عوامل تشکیل‌دهنده آنها با یکدیگر متفاوت هستند، در جلب مشارکت اجتماعی جهت بازآفرینی شهری نیز این عوامل تاثیرگذار و متفاوت خواهند بود؛ به بیان دیگر در هر محل و منطقه، مدل انحصاری خودش را جهت این امر خواهیم داشت؛ از اینرو جنبه نوآورانه این پژوهش اختصاص و تبیین مدل بومی جهت مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری خواهد بود.

مبانی نظری

در هر کنکاش علمی بیان اصطلاحات و مفاهیم آن از اصول اصلی فرآیند فعالیت می‌باشد؛ لذا با علم بر اینکه مشارکت اجتماعی یکی از راهبردهای لازم جهت رسیدن به بازآفرینی شهری می‌باشد، ابتدا به تعیین جایگاه این موضوع با بازآفرینی شهری توجه می‌شود. واژه "بازآفرینی" از ریشه بازآفرینی کردن به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن بوده و همچنین در تعریف این عبارت گفته می‌شود که به معنای بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده می‌باشد که در معرض نابودی قرار گرفته است (Robert, 2000) به نقل از لطفی، (۱۳۹۰: ۷۹) واژه بازآفرینی شهری معانی متفاوتی در ذهن افراد مختلف متبادر می‌سازد و در عمل می‌تواند در طیفی از فعالیت‌های بزرگ مقیاس برای ارتقای رشد اقتصادی تا مداخلات در حد محله‌ها و واحدهای همسایگی به منظور ارتقای کیفیت زندگی بگنجد (بحرینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰). رابرتز در مقدمه کتاب بازآفرینی شهری یکی از جامع‌ترین نگرش‌ها را در تعریف بازآفرینی ارائه نموده است: "بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بیانجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد (Roberts, 2000, 19) به نقل از بحرینی و دیگران، (۱۳۹۳). بازآفرینی شهری، یک اصطلاح عام است که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، مقتدرسازی و روان بخشی شهری را در بر می‌گیرد. بازآفرینی به مفهوم احیاء تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است (نوریان، ۱۳۹۱: ۱۵). بازآفرینی شهری یک رویکرد جامع، یکپارچه و کل نگر است که سه هدف اقتصاد، برابری و محیط را در بر می‌گیرد؛ با حفظ رقابت اقتصادی، کاهش نابرابری، حفاظت و نگهداری محیط زیست که حاکی از نسل جدیدی از مشارکت‌ها برای توسعه سیاست‌ها شامل

شکل‌های نوآورانه‌ای از بخش‌های خصوصی - عمومی و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد (Gibson&Kocabas,2001) به نقل بحرینی و دیگران، (۱۳۹۳).



نمودار ۱- رویکرد بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری پایدار

بازآفرینی شهری پایدار و پایداری اجتماعی از دیدگاه‌های غالب و متاخر هستند و گفته می‌شود پایداری اجتماعی، قطعیت توسعه است؛ در حالیکه پایداری‌های زیست محیطی و اقتصادی اهداف توسعه پایدار و ابزارهای رسیدن به آن می‌باشند (Assefa&Frostell,2007 به نقل از حبیبی و دیگران، ۱۳۹۳).

جدول ۱- رویکرد بازآفرینی شهری

بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد کالبدی	بعد زیست محیطی	اندیشه‌ها و رویدادهای موثر
-شرکت بخش‌های دولتی، خصوصی و داوطلبانه -تغییر ماهیت شهرها از مراکز تولید به مراکز مصرف -تاثیر اقتصاد خدمات-محور بر ابعاد مختلف بازآفرینی	-آغاز توجه به مردم و نقش مشارکت‌های اجتماعی -استفاده از نقش فرهنگ در جامعه در اجرای سیاست‌های بازآفرینی	-تداوم توسعه مجدد استفاده از زمین‌های قهوه‌ای و بازیافت آنها -تاثیر بر احیای مراکز شهری	-آغاز توجه به معضلات زیست محیطی -توجه به محدودیت منابع زمین و انرژی	- تاثیر تغییر ساختارهای اقتصادی و خدماتی شدن اقتصاد (حرکت از ف.ردیسم به پسافوردیسم) -حرکت به سوی شکل جامع‌تری از سیاست‌گذاری و اعمال تمرکز بر روی راه حل‌های یکپارچه -تاثیر رویکردهای مبتنی بر شراکت
-تاثیر مقوله اقتصاد خلاق -تاثیر رویکردهای یکپارچه در مسائل اقتصادی -تاثیر ادغام اقتصاد و فرهنگ و صنایع فرهنگی	-تقویت نقش مردم در طراحی و اجرای طرح‌ها و پایداری شدن آنها -تقویت نهادهای مدنی و مشارکت‌های مردمی در طراحی و اجرا -تاثیر رویکردهای یکپارچه در مسائل اجتماعی	-استفاده از زمین‌های قهوه‌ای و بازیافت آنها -استفاده بهینه از سرمایه‌های کالبدی	-تشدید تاثیر بحث‌های زیست محیطی در طرح‌های توسعه شهری و توسعه مجدد بازیافت زمین‌های محدوده‌های شهری	-تاثیر پارادایم پایداری و توسعه پایدار -تداوم تغییرات ساختاری اقتصادی - تاثیر اقتصاد خلاق بر اندیشه‌های مرمت شهری -تاثیر اندیشه‌های نوشهرسازی، شهر فشرده و رشد هوشمند -تقویت و تسلط یکپارچه

منبع: بحرینی و دیگران، ۱۳۹۳

بر این اساس، مشارکت اجتماعی از راهبردهای اصلی بازآفرینی پایدار شهری است. مشارکت:

مشارکت یک پدیده اجتماعی است و آن عبارت است از درگیری در ارزش‌های جامعه، هرگاه افراد در بطن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند؛ در واقع در حیات اجتماعی مشارکت دارند (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴). مشارکت در معنای عام آن به مفهوم همکاری، شرکت در کاری، امری با فعالیتی و حضور در جمعی گروهی و سازمانی جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیر فعال است که در آن نقش و مسئولیت فرد چندان تعریف و مشخص نشده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۳۵ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۴۱). مشارکت براساس انگیزه‌ها به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌شوند که نوع درونی ریشه در هنجارهای اجتماعی دارد و شامل مشارکت در امور نهادی، مشارکت خودانگیخته و مشارکت غریزی است و نوع بیرونی شامل مشارکت‌های سازمان یافته، برانگیخته شده و تحمیلی است و دارای محرک خارجی فعال است. نقش محرک خارجی، واسطه‌ای است در جهت قبولاندن پاره‌ای از ارزش‌های جدید، به موازات سست کردن ارزش‌های قبلی (شکوری، ۱۳۹۰: ۱۵).

مشارکت اجتماعی:

مشارکت اجتماعی، فرایند سازمان یافته‌ای است که افراد از روی آگاهی و اطلاع داوطلبانه، گروهی و با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خود شکوفایی و نیل به اهداف و سهم شدن در منابع قدرت می‌گردد، فعالیت می‌کنند. عرصه چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی مانند گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمانهای غیردولتی و سازمان‌های خودیاری و محلی هستند که در سطح جوامع انسانی و حوزه‌های گوناگون نقش ایفا می‌کنند (قراخانی، ۱۳۸۲: ۵). بنابراین مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی، ۱۰۸: ۱۳۶۹). مشارکت اجتماعی به معنای وسیع کلمه در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد که غفلت از آن و فراهم نساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره‌گیری مناسب از آن، برنامه‌های عمران اجتماعی را در سطوح مختلف دچار مشکل و نارسایی می‌کند (ازکیا و غفاری ۱۳۸۰: ۱۶۳).

در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرایندهای اجتماعی - اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. این رویکرد، بر عوامل بیرونی و محیطی تأکید داشته و عوامل اجتماعی را در شکل‌گیری مشارکت مفید و موثر می‌داند. از نظر طرفداران این دیدگاه، زمانی مشارکت در جامعه تحقق می‌یابد که «افراد بتوانند از قید و بندهای فکری، از طریق آموزش و پرورش، سواد و رسانه‌های جمعی رهایی یابند و این خود باعث می‌شود افراد به گونه‌ای دیگر به جهان بنگرند و به اصطلاح آگاهانه انتخاب کنند» (گلدروپ، ۱۳۷۰: ۲۶).

جدول ۲- دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف پیرامون مشارکت و مشارکت اجتماعی

جین جیکوبز	مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی
محسنی تبریزی	مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی که معمولاً خصلت محلی و غیر دولتی دارند.
ازکیا و غفاری	مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی رابطه‌ی نزدیکی دارد؛ زیرا اولاً از متن جامعه بر می‌آید، ثانیاً عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد.
گلدروپ	زمانی مشارکت در جامعه تحقق پیدا می‌کند که افراد بتوانند از قید و بندهای فکری از طریق آموزش و رسانه‌های جمعی رهایی یابند.
کائوتری	مشارکت شکلی از زندگی اجتماعی با طیف گسترده منافع است که در آن فرد حضور خود را با اجتماع افراد برابر و یکسان می‌بیند.
لوتاز	در دیدگاه روان‌شناختی باید به میزان احساس تعلق به جامعه، اعتماد به نفس، خلاقیت و استعدادهای فردی توجه کرد، انگیزه‌ها سبب مشارکت می‌شود.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

دیدگاه‌های مشارکت محور پیرامون شهر

فارابی بیان می‌دارد: شهر مکانی است محاط بر انسان به نوبه خود، محدود در سرزمین گسترده و کم و بیش مشخص، و این گستره نیز چه در حیثیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و مدنی و چه در حیثیت هندسی - کیهانی اش، تحدید پذیر است. (فلامکی، ۱۳۸۵:۱۸۹) بررسی‌های پیران نشان می‌دهد که در تمامی انواع همکاری نیز به مجرد یافتن راهی خود محورانه، همکاری در چشم بهم زدنی پایان می‌یابد و بر تناقض مشارکت در جامعه ایران تأکید روا می‌داشت و بیان می‌دارد که ایرانیان در عرصه‌های غیر رسمی، خون محور، تبار محور، محله‌ای و مذهبی و عرصه‌هایی که چشم داشت مشارکت را به شکلی سنتی مطرح می‌سازد، کام دیگر خواهانه عمل می‌نمایند و مشارکت جو محسوب می‌شوند، لیکن در عرصه‌های رسمی، مدنی، شهری و عرصه‌هایی که با تسامح بسیار می‌توانند «مدرن» تلقی شوند، بسیار خود محورانه، خودخواهانه و ضد مشارکتی اقدام می‌کنند. و بیان می‌دارد در ایران اگر مشارکت را به معنای فنی و تخصصی در نظر بگیریم، در تاریخ ایران ممکن نبوده، دلیل این هست که مشارکت مفهومی گره خورده با توزیع قدرت و نیازمند تضمین امکان پذیر بودن مشارکت است که به دلایل مختلف از جمله نبود آزادی در بیان نظر وجود ندارد. در ایران همکاری‌های خون محور، قبیله‌ای و عشیره محور داریم که این‌ها با یک‌دیگر انانیت دارند. این‌ها باعث می‌شود که مشارکت به معنی فنی و تخصصی وجود نداشته باشد. (هفت شهر، شماره ۵۲، به نقل از پیران) و جهان‌شاه پاکزاد در این زمینه بیان می‌دارد که، تفاوت فاحش جامعه‌ی ایرانی با جوامع غربی بیش از آن است که بتوان راه هرچند موفق آنان را انتخاب کرد؛ بلکه باید بر اساس شرایط، امکانات، و محدودیت‌های جامعه خود که ریشه در تاریخ دارند، به رفع کاستی‌ها پرداخت. قبل از شروع بررسی تطبیقی دو جامعه شرق و غرب ضروری است، تعریف پذیرفته شده این مقاله از مشارکت مشخص شود: "مشارکت و درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. (پاکزاد ۱۳۸۳ به نقل از طوسی، ۱۳۷۰، ۵۴) و سید محسن بحرینی پیرامون مشارکت در بازآفرینی شهری بیان می‌دارد که فضای اجتماعی باید فضای زیربخش‌های بازآفرینی در کنار یکدیگر در نظر گرفته شود. نمی‌توان گفت که فقط بازآفرینی فرهنگ مبنا انجام دهیم یا بازآفرینی اقتصاد مبنا یا ...

عمده کردن هریک از اینها نفی و یا کم رنگ کردن دیگری است در حالی که در شهر با همه این ابعاد سروکار داریم. (هفت شهر، شماره ۵۲-۵۱، ص ۵۷)

جدول ۳- دسته بندی دیدگاه‌های اندیشمندان حوزه شهری (پاکزاد، پیران و بحرینی) پیرامون مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری:

اندیشمند	نظریات
پرویز پیران	<ul style="list-style-type: none"> • به دلیل نبود آزادی در بیان و به دلیل اینکه آزادی مفهوم گره خورده با توزیع قدرت است در طول تاریخ ایران مشارکت وجود نداشته است. • وجود همکاری دقیقه نودی و اجباری و حتی خون محور و قبیله محور با یک اجبار نانوخته بسیار شدید همراه است. • در مشارکت‌های ایرانی همیشه یک چهره محوری و هدایت کننده وجود دارد.
پاکزاد	<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی که آنان را برمی‌انگیزد. • زندگی پرمشقت عشیره‌ای موجب دل بستگی فرد به گروه یا عشیره می‌شود و هدایت و زندگی روزمره جمعی توسط یک راهبر یا بزرگ ضروری است. • در اروپا دولت وابسته به منافع طبقات اجتماعی است؛ ولی در ایران عموماً طبقات اجتماعی به دولت وابسته‌اند. • در جامعه‌ای که شخص دارای شخصیت مستقل فردی نبوده و هویت خود را صرفاً در قالب تیره و طایفه خود می‌یابد، میزان مشارکت نیز از حد سکونت طایفه اش تجاوز نمی‌کند.
بحرینی	<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت یک توافق دسته جمعی است.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

ارتباط بازآفرینی شهری و مشارکت اجتماعی:

در این مقاله ضمن بیان و تعریف مفهوم بازآفرینی شهری و ابعاد و رویکردهای آن به موضوع مشارکت و مشارکت اجتماعی نیز توجه شد و بازآفرینی شهری زمانی پایدار خواهد بود که هریک از ابعاد آن با راهبرد مشارکت اجتماعی دنبال شود؛ در واقع جهت تحقق ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و محیطی باید از طریق جلب مشارکت اجتماعی گروه‌های مستقر در آن محیط، اقدامات بازآفرینی انجام داد و بر اساس مفاهیم بیان شده که با توجه به دیدگاه‌های داگلاس ورث و تقسیم‌بندی آقای رضایی، تحت عنوان عوامل درونی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌گردند؛ چنانچه مشارکت اجتماعی تحت تاثیر عوامل درونی باشد، برای بازآفرینی شهری اقدامات نظیر جلب رضایت ریش سفیدان و توجه به ویژگی‌های قومی، مذهبی شان ضرورت دارد و بالتبع نوع تسهیلگری متفاوتی نسبت به زمانی که مشارکت اجتماعی تحت تاثیر عوامل بیرونی باشد، خواهند داشت. همانطور که بیان شد، بازآفرینی شهری اقدامی جامع و چند وجهی است که نیازمندی‌های اقتصادی، سیاسی، کالبدی، اجتماعی، زیست محیطی بافت ناکارآمد را بر اساس توسعه‌ی پایدار پاسخگو باشد.

این موضوع بدین معنی است که مشارکت اجتماعی و ایجاد سمن‌ها، تشکل‌ها و گروه‌ها و سازمان‌های مردم نهاد و همراه نمودن آنها با یکدیگر جهت بازآفرینی شهری با هدف یکپارچه سازی و هم افزایی صورت می‌گیرد. از اینرو ضروری است گونه‌ای از مشارکت اجتماعی انتخاب شود که متناسب با شرایط کالبدی بافت بوده و حداکثر تعاملات اجتماعی، فرهنگی را فراهم نماید، اقتصاد ساکنین را توسعه بخشد، آسیب‌های زیست محیطی به همراه نداشته باشد و از همه مهمتر، از بخشی نگری پرهیز نماید و تلاش شود هر یک از موارد منفی دیگری نباشد.

احصاء مولفه‌های تاثیرگذار در مشارکت اجتماعی:

با تحلیل محتوا متون در دست بررسی تعداد ۸۲ مولفه تاثیرگذار در امر مشارکت اجتماعی جهت بازآفرینی شهری شناسایی گردید که با توجه به گستردگی آنها به همین تعداد بسنده گردید و جهت دسته‌بندی آنها و برای تحقق هدف پژوهش، با استفاده از روش تحلیل عاملی شاخص‌ها دسته‌بندی گردیدند که به چهار گروه اصلی تقسیم شدند،

گروه عوامل ویژگی‌های حداکثری عوامل درونی را داشتند و عوامل دسته دوم ویژگی‌های عوامل بیرونی و به ترتیب عوامل دسته سوم درونی و چهارم نیز به سمت عوامل بیرونی بودند. که ضمن ارائه خروجی تحلیل عاملی انجام شده، عوامل تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری در جدول ۴ ارائه گردیدند.

جدول ۴- متغیرهای احصاء از تحلیل فوق به شرح جدول ذیل بیان می‌گردند.

عوامل	اشتغال، مستاجرین، میزان تحصیلات، ارتباط عاطفی، دانش تاریخی سرزمین، مکانهای عمومی، حس اعتماد، احساس تعلق، مهاجریزبری، علم وجود سلسله مراتب دسترسی، عدم اختصاص کاربری‌های
شماره	عمومی، مهاجرت اتباع بیگانه، وجود اهالی بومی، وجود مراکز دینی و فرهنگی، همگرایی در زمینه‌های مختلف، مشارکت ناشی از تعلق و سهم، شرکت فعالانه، میزان آگاهی و اطلاع، روابط بین گروهی
یک	در قالب انجمن، اتحادیه و باشگاه، رونق فعالیت اقتصادی، همکاری بین افراد در جوامع محلی، انسجام اجتماعی در جوامع سنتی، علائق جمعی، مشارکت طبیعی، امکان بحث و گفتگو، فعالیت‌های
	لرادی، همکاری دقیقه نودی، چهره محوری، درگیری‌های ذهنی و عاطفی که موجب براونگی‌نگی شود، مشارکت در حفظ و ارتقای کیفی فضاهای عمومی و شهری، وجود توافق جمعی،
عوامل	گونه شهری دارای قدمت تاریخی، گروه‌های غیر رسمی در محل، وجود ریش سفیدان
شماره دو	مهاجرت اتباع بیگانه، زندگی اهالی بومی، خودانگیختگی
عوامل	امنیت، تجربه علمی، ارتباط رسمی، رشد تکنولوژی، از بین رفتن روابط اجتماعی، امکان با کیفیت بالای شهری، ترمیم بافت کالبدی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی در جوامع محلی، قلمرو همگانی،
شماره	فرآیند سازمان یافته، آزادی در بیان، مشارکت در حفظ و نگهداری شهر
سه	مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، میزان وابستگی دولت به طیف ساکن در بافت، نقش گروه‌ها در اداره امور شهر، هماهنگی درون سازمانی، بافت فرسوده
عوامل	مالکین، طبیعت و اقلیم، تغییر فرهنگ بومی، عرصه‌های نوین اقتصادی، عدم تطابق با نیازهای نوین، نقش نهادهای عمومی، سیاست‌های موجود بازآفرینی، مشارکت اجتماعی
شماره	
چهار	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۲، تاثیر کلیه عوامل بر ابعاد بازآفرینی

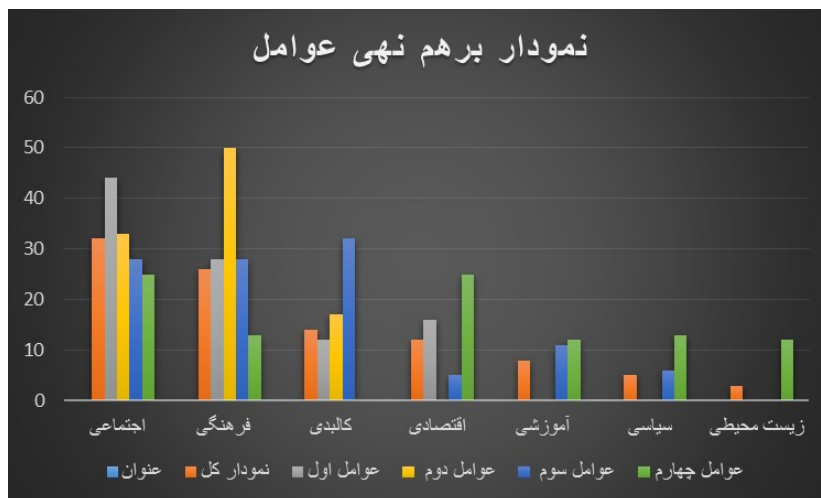
نمودار کل عوامل بر ابعاد بازآفرینی شهری، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

این نمودار نشان می‌دهد چنانچه نقش ابعاد بازآفرینی شهری را به صورت کلی بر عوامل مورد بررسی قرار دهیم، بیشترین نقش به ترتیب مربوط به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی می‌باشد و برای آنکه نقش این ابعاد بر هر یک از عوامل و نیز دامنه این ابعاد بر عوامل دیده شود، اعداد حاصل از نمودارها، طی جدول ذیل دسته‌بندی گردیدند و مجدداً نمودار حاصل از برهم نهی این عوامل را نیز ارائه می‌نماییم.

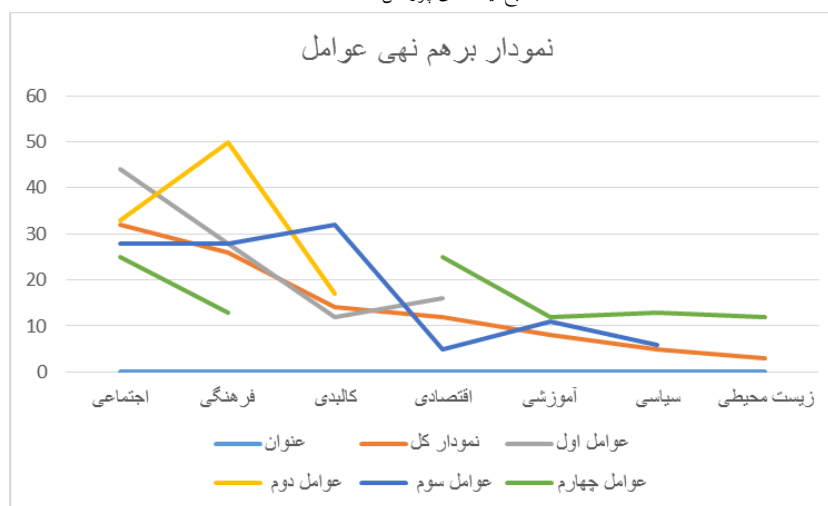
جدول شماره ۵، دسته‌بندی تعداد مولفه‌های بازآفرینی شهری در هر یک عوامل

عوامل	اجتماعی	فرهنگی	کالبدی	اقتصادی	آموزشی	سیاسی	زیست محیطی
نمودار کل	32	26	14	12	8	5	3
عوامل اول	44	28	12	16			
عوامل دوم	33	50	17				
عوامل سوم	28	28	32	5	11	6	
عوامل چهارم	25	13		25	12	13	12

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۳، بر هم نهی عوامل بر هریک از ابعاد بازآفرینی شهری
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۳، بر هم نهی عوامل بر هریک از ابعاد بازآفرینی شهری
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

داده‌های استنتاج شده از نمودارهای فوق بیانگر این موضوع هستند که عوامل گروه اول بیشترین تاثیرپذیری شان از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی می باشد و عوامل گروه دوم بیشترین تاثیرپذیری شان از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی است؛ در واقع عوامل گروه اول و دوم موثر در مشارکت اجتماعی برای بازآفرینی شهری که از نوع درونی تقسیم شده‌اند و مخصوص جوامع سنتی تر می باشند، تحت تاثیر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی هستند. و عوامل سوم بیشترین پراکنش بین شاخص‌ها را دارد و همینطور عوامل چهارم، دارای پراکنش نسبتا بیشتری هستند. و چنانچه این داده‌ها را از حیث تاثیرگذاری ابعاد بر عوامل بررسی نماییم، جدول و نمودار ذیل به دست خواهد آمد. نمودار برهم نهی تاثیر شاخص‌ها بر عوامل، حاصل میزان تاثیرپذیری هریک از عوامل، از ابعاد بازآفرینی شهری است؛ بدین معنی که بافت مدنظر برای بازآفرینی شهری، متاثر از هریک از گروه عوامل که باشد با ابعاد

اجتماعی و فرهنگی، ارتباط دارند. و یا شاخص‌های متأثر بر بعد اقتصادی، بیشترین تاثیرشان بر عوامل سوم و چهارم است که در واقع، مباحث اقتصادی بر جوامع غیر سنتی تاثیرگذاری اش بیشتر است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

بر این اساس عوامل تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری متون استخراج گردید که در تقسیم‌بندی ابتدایی تحت دو عامل درونی و بیرونی از نظر نوع وابستگی دسته‌بندی گردید و علاوه بر آن رویکردهای مشارکت اجتماعی به همراه پارامترهای دخیل در بازآفرینی نیز بررسی گردید. چنانچه یک جامعه وابسته به هم باشد نوع عوامل درونی و روابط عاطفی در بازآفرینی موثر است، در این گونه جوامع معمولاً مشارکت خودانگیخته دارند و از دوام بیشتری برخوردار بوده؛ ولی از کارایی کمتری نسبت به روابط رسمی برخوردار است؛ اما چنانچه شکل‌ها و گروه‌ها از نوع تعاونی‌ها و صنوف باشند روابط رسمی تر است و جهت پروژه‌های آبادانی و توسعه کارا تر است و یا اینکه در جوامعی ممکن است به نسبت درصدهایی از هر یک از عوامل وجود داشته باشد و چه بسا در یک محل از تعدادی طوایف تشکیل شده که علیرغم اینکه درون هر یک روابط عاطفی برقرار است؛ اما با بین گروه‌ها روابط رسمی باشد و یا اینکه حالت‌های دیگر برقرار باشد؛ لذا مهم است عامل مدنظر، در چه محلی از این طیف قرار گرفته باشد. در این مقاله، پس از بررسی و تحلیل مولفه‌ها، عوامل تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری در چهار گروه تقسیم‌بندی گردیدند، عوامل دسته اول شامل شاخص‌هایی هستند که بیشترین تاثیرپذیری شان از جوامع سنتی است و یا به بیان دیگر کارکردشان در جوامع سنتی است، به عنوان مثال، چهره محوری در این گروه قرار دارد و عوامل گروه دوم فاصله شان از جوامع سنتی یک مقداری بیشتر شده؛ ولی کماکان جزء همین دسته تقسیم‌بندی می‌شوند، عوامل گروه سوم به سمت عوامل بیرونی گرایش دارند و عوامل گروه چهارم کاملاً مربوط به عوامل بیرونی و جوامع رسمی می‌باشند.

از تطبیق این عوامل که متأثر از شاخص‌های اثرگذار بر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری هستند با ابعاد بازآفرینی شهری، درصد اثرگذاری ابعاد بر هر یک از عوامل و نیز بلعکس تاثیرگذاری عوامل بر ابعاد، بیانگر موارد به شرح ذیل است:

- ۱- گروه اول به ترتیب تحت تاثیر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی هستند.
- ۲- عوامل گروه دوم به ترتیب تحت تاثیر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و کالبدی هستند.
- ۳- عوامل گروه سوم به ترتیب تحت تاثیر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، آموزشی، سیاسی و اقتصادی هستند.
- ۴- عوامل گروه چهارم به ترتیب تحت تاثیر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و آموزشی هستند.
- ۵- از برهم نهدی عوامل و درصد ابعاد مشخص گردید ابعاد اجتماعی و فرهنگی، بر تمامی عوامل تاثیرگذار هستند؛ یعنی اینکه برای جلب مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری، الزاماً ابعاد فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته شوند.
- ۶- بعد کالبدی برای عوامل اول، دوم و سوم اثرگذار است.

۷- ابعاد اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی بر عوامل چهارم تاثیرگذار هستند.

عوامل دسته‌بندی شده در چهار گروه از طیف کاملاً درونی تا طیف کاملاً بیرونی نشان‌دهنده این است که برای بازآفرینی شهری که دارای ابعاد گوناگون است ممکن است هریک از این ابعاد با توجه به شرایط و عوامل تشکیل‌دهنده ساختار آن، ترکیب متفاوتی از این شاخص‌ها کنار یکدیگر قرار بگیرند و در واقع ما برای تحقق بازآفرینی شهری با دخیل نمودن راهبرد مشارکت اجتماعی، با مدل چند وجهی مواجه هستیم و این موضوع نشان‌دهنده پیچیده بودن مساله بازآفرینی شهری می‌باشد و بیان واضح‌تر، دست‌یابی به بازآفرینی پایدار شهری یک امر ساده نمی‌باشد و باید با بکارگیری ابزار و روش‌های شناسایی عوامل تاثیرگذار، تمامی این عوامل چندگانه را برای تحقق بازآفرینی شهری با راهبرد مشارکت اجتماعی بکار گرفت. لذا در هر صورت برای جلب مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری، باید ابتدا به مباحث فرهنگی و اجتماعی پرداخت و چنانچه جامعه رسمی و برون‌گرا باشد؛ علاوه بر مباحث فرهنگی و اجتماعی، به مسائل اقتصادی و زیست محیطی نیز توجه شود.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۰، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۸۰،
- ایزدی، محمد سعید، روستا، مجید، امیری، نگین، سیری بر تجربه شهرسازی اجتماعی (مشارکتی) در بازآفرینی بحرینی، سید حسین، ایزدی، محمد سعید؛ مفیدی، مهرانوش، ۱۳۹۳، رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)، فصلنامه مطالعات شهری، شماره نهم
- پاکزاد جهان‌شاه، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، (جلد اول، دوم و سوم)، آرمانشهر، چاپ دوم، ۱۳۹۰
- پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۳، بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه‌یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی، علمی پژوهشی صفا، شماره ۳۷)
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- داگلاس سی ورث، وینگاست بری. آر، ترجمه‌ی قودجانی، اصلان؛ ۱۳۹۷، شکل‌ها و ایجاد تعهد، ناشر پویش فکری توسعه رضایی، عبدالعلی، ۱۳۷۵، مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران، موسسه اطلاعات.
- زهره، راهکارهای ارتقاء مشارکت اجتماعی دانشجویان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۲، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۴
- شکوری، علی (۱۳۹۰) مشارکت اجتماعی و سازمانها حمایتی با تاکید بر ایران، تهران، انتشارات سمت.
- فلامکی محمد منصور، سیری در تجارب مرمت شهری (از ونیز تا شیراز)، نشر فضا، چاپ دوم، ۱۳۸۴
- فلامکی، محمد منصور، بازنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۹۱
- فلامکی، محمد منصور، ۱۳۸۵؛ فارابی و سیر شهروندان در ایران، نشر فضا، چاپ دوم
- قراخانی علی، ۱۳۸۲، سازمان‌های غیردولتی و مشارکت اجتماعی، نشریه همراه ۶
- کارمونا، متیو و دیگران، ترجمه قرایی، فریبا و دیگران، ۱۳۹۴، مکان‌های عمومی، فضاها‌ی شهری؛ ابعاد گوناگون طراحی شهری، دانشگاه هنر
- گلدروپ، جی، ای، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم، ترجمه جواد طهوریان، انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۲۲ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۴۰۰

محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۳۹، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۳، بررسی مجامع مشورتی ائمه جماعات و معتمدین محل در مناطق شهر تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

محلات غیررسمی شهر مدلین در کشور کلمبیا، هفت شهر، شماره ۵۳-۵۴، بهار و تابستان ۹۵

موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱) درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، جامعه شناسان

موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱) درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، جامعه شناسان

نوریان، فرشاد، آریانا، اندیشه، ۱۳۹۱؛ تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام

علی (عتیق) اصفهان، نشریه هنرهای زیبا، دوه ۱۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۱۵-۲۸

AssefaG. And Frostell B. (2007), Social Sustainability and Social Acceptance in technology Assessment: A Case study of Energy Technologies, Technologies in Society (29) 63-78

24-Regeneration Association, SAGE Publications, London.

Roberts, P, 2000, The evolution, definition and purpose of urban regeneration, in p. Roberts and H, Syke. Urban Regeneration, A Handbook, British Urban